

ضرورت کاهش رسمی

ارزش ریال

نوشته: حسین وکیلی

در ماهنامه حسابدار قبلاً مقاله‌ای در این زمینه که کاملاً مخالف نظر نویسنده این مقاله است، چاپ شده است. بدیهی است که این دو مقاله منعکس‌کننده نظریات نویسندگان بوده و نه منعکس‌کننده نظریات انجمن حسابداران خبره ایران و ماهنامه حسابدار

ضرورت کاهش رسمی ارزش ریال

با توجه به گسترش فعالیت‌های اقتصادی بین کشورها و وجود رابطه وسیع و پیچیده در زمینه تبادل کالاها و خدمات بین فضاهای اقتصادی بین‌المللی، عنایت به ابزار مبادله داخلی و جهانی و مکانیسم‌هایی که به وسیله آنها این ابزار بکار گرفته می‌شوند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بحث از پول ملی و نقش آن در صحنه داخلی و بین کشورهاست. پول ملی یک کشور در حقیقت در حکم شناسنامه و پرونده هویت یک ملت است. هرچه قدرت خرید، قدرت تبدیل، قابلیت پذیرش و گستره پذیرش یک پول بیشتر باشد، برگ هویت آن روشنتر و مقبولیت و پایگاه داخلی و جهانی آن محکمتر خواهد گردید. بالعکس، هرچه زمینه پذیرش یک پول ملی ضعیف‌تر شود، سرنوشت محتوم آن حذف شدن از صحنه تجارت بین‌المللی، بی‌اعتبار شدن در نهادها و بازارهای پولی و سرمایه‌ای جهانی و به انزوا کشیده شدن اقتصاد ملی و مرگ تدریجی آن به دنبال یک دوره بیماری سخت طولانی خواهد بود.

"پول" که از دیرباز به عنوان وسیله مبادله کالاها و خدمات در صحنه‌های محدود داخلی و سپس در صحنه بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است تا زمانی که به صورت طلا و نقره ظاهر می‌گردید، ارزش و مقبولیت کافی را در خود داشت. با تغییر شکل پول

از فلز پر بها به کاغذ و سکه‌های آلیاژ کم بها، عوامل دیگری در تعیین ارزش پول و قدرت واسطه‌گری آن در تبدیل کالاها و خدمات به عنوان شاخص مطرح گردید. از جمله این عوامل می‌توان به ثبات اقتصادی و سیاسی، تواناییهای تولید و صادرات، قدرت مانور در صحنه‌های اقتصادی بین‌المللی، میزان سرمایه‌گذاری‌ها و داراییهای ملی و پیمانداها و ذخایر ارزی و فلزات گرانبها در داخل کشور و نزد نهادهای بین‌المللی، قدرت نظامی، مشارکت و حضور در نهادهای جهانی و پیمانهای استراتژیکی اقتصادی، سیاسی و نظامی، و نظایر آن اشاره نمود. در نتیجه، بین ارزش پول ملی یک کشور و عواملی که فوفا" به آن اشاره گردید یک رابطه مستقیم و تنگاتنگ بوجود آمده و تلاش دولت‌ها را در جهت تقویت این رابطه ضروری نموده است. خصوصاً، دولت‌ها متوجه این واقعیت گردیدند که هرچه توان اقتصادی و نتیجتاً تراز پرداختهای بین‌المللی آنها تقویت شود پول ملی آنها قدرت تبدیل و توانایی خرید بیشتری خواهد یافت و حتی نوسانات ارزش پولهای ملی کشورهای دیگر را باعث خواهد گردید.

با پیشرفت تکنیک‌های پولی و بانکی و پیدایش مکانیسم‌های پیچیده ارزی، امروزه دولت‌ها فرصت یافته‌اند تا چنانچه اقتصاد آنها و پول ملی آنها دچار ضعف و تقلیل توانایی گردید بلادرنگ از این گونه‌بزار استفاده نمایند تا نه تنها از ادامه کاهش ارزش و پیشرفت بیماری جلوگیری کنند، بلکه حضور پول ملی خود در صحنه پولی و مبادلات بین‌المللی را تضمین و تأیید نمایند. امروزه همه اعضای جامعه بزرگ جهان می‌دانند که عدم مقبولیت پول ملی آنها به منزله انزوا، سقوط و مرگ آنها خواهد بود و این همانند عضوی از بدن است که به علت بیماری و فساد نه تنها قدرت بازسازی خود را ندارد بلکه به سایر اعضا نیز صدمه خواهد زد، لذا تنها تجویز و نسخه صحیح در چنین مواردی قطع عضو مرده و جداسازی آن از بدنه کلی است.

حال برای آنکه مشمول این تجویز نامطلوب گردید چه باید کرد؟

یکی از چندین روش مورد عمل که بکرات و به طور وسیع توسط غالب کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفته و در بسیاری موارد نتایج سازنده‌ای به بار آورده است، تکنیک تقلیل ارزش پول ملی در مقابل پولهای قوی و شناخته شده در صحنه تجارت بین‌المللی می‌باشد. کشور ما در حال حاضر با یک مجموعه واقعیات روبروست که نه تنها بر تمامی مسئولین مملکت بلکه برای آحاد عادی و معمولی و غیرمتخصص نیز روشن و آشکار است.

برخی از این واقعیات را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱ - توقف بخش قابل توجهی از واحدهای تولیدی (صنعتی و کشاورزی) و فعالیت

کمتر از ظرفیت واقعی بخش دیگری از این گونه واحدها و کاهش شدید تولید منتج از آن .

۲ - بیکاری آشکار و پنهان

۳ - قیمت‌های فزاینده و تورم تازنده

۴ - نابسامانی و عدم هماهنگی بین قوانین (خصوصاً" در مباحث مالکیت ، نظام مالیاتی ، واردات و صادرات ، اعتبارات ریالی و ارزی بانکی ، استقرار داخلی و بین‌المللی و نظایر آن) .

۵ - عدم هماهنگی و یکسانی در اجرای قوانین

۶ - گسترش نامتعارف بخش خدمات

۷ - افزایش بی‌رویه پول در گردش و فقدان ابزار کافی جهت جذب و هدایت آن به سیستم بانکی کشور

۸ - فقدان انگیزه کافی برای هدایت سرمایه‌های سرگردان از بخش خدمات به بخش تولید

۹ - اتکای مطلق کشور به درآمد نفت

۱۰ - حذف عملی ریال از صحنه پولی بین‌المللی

۱۱ - عدم امکان استفاده از حق طبیعی ایران در نهادهای پولی جهانی

۱۲ - ورود به بازار استقرار کوتاه‌مدت (بوزانس) که به مراتب مخرب‌تر و گرانتر از استقرار بلندمدت می‌باشد .

۱۳ - وجود تردید در اقدام به فعالیت بازسازی (در هر دو بخش دولتی و خصوصی) و عدم تمایل مهاجرین جنگ تحمیلی به بازگشت به موطن خود

۱۴ - نامشخص بودن وضعیت جنگ تحمیلی و عدم اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای

امنیت سازمان ملل از طرف دولت عراق
صرفنظر از مباحثی که مستقیماً به مسئله تعلیق اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ از طرف دولت عراق مرتبط می‌گردد ، در سایر موارد که اختصاصاً مربوط به مسائل داخلی کشور می‌شود ، ضمن آنکه برخی از این معضلات و واقعیات در میان مدت و طی برنامه پنجساله مورد دقت و برخورد قرار گرفته‌اند ، برخی دیگر مانند اعاده "ریال" به صحنه پولی بین‌المللی ، کنترل و تقلیل حجم پول در گردش داخلی و ایجاد تناسب بین تولید و ابزار مبادله (پول) ، و نهایتاً کنترل و تقلیل تورم مخرب قیمت‌ها لازم است مورد عنایت عاجل و کوتاه‌مدت قرار گیرند .

همان طور که اشاره شد ، روش تقلیل داوطلبانه ارزش پول ملی در مقابل پولهای

شناخته شده و شاخص جهان یکی از تکنیک‌هایی است که به شرط فراهم شدن زمینه‌های قانونی و ایجاد برنامه صحیح در زمینه اجرا و پیاده نمودن آن، اثرات مطلوبی ببار خواهد آورد.

تکنیک تقلیل داوطلبانه ارزش پول توسط بسیاری از کشورهای دنیا و در مقاطع زمانی مختلف مورد تجربه قرار گرفته است. لازم به توجه است که در تمامی موارد، هدف از تقلیل ارزش پول (یا افزایش ارزش آن) حفظ موقعیت مناسب پول ملی و ایجاد زمینه مطلوب جهت حضور فعالانه پول ملی در صحنه بین‌المللی است.

یک مثال مناسب برای اجرای این روش، تجربه کشور نیکاراگوئه می‌باشد. انقلاب نیکاراگوئه تقریباً همزمان با انقلاب اسلامی کشورمان به ثمر رسید. نوع حرکت در هر دو کشور شبیه یکدیگر و دارای ماهیت ضد امپریالیستی بوده است. هدف هر دو ملت تقابل با اهداف توسعه‌طلبانه آمریکا بوده و هر دو کشور تهاجمات مشابهی را از طرف جهان استعماری تحمل نموده‌اند. تحریم اقتصادی، تجاوز نظامی، تحریک و تجهیز ضد انقلاب و نظایر آن دارای مشابهت‌های فراوانی در دو کشور بوده است. البته باید به این مشکلات، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را افزود که خود فاکتور تعیین‌کننده‌ای در ایجاد نابسامانی‌های اقتصادی کشور بوده است.

دولت نیکاراگوئه صرف‌نظر از وقایع هفته‌های اخرو تغییرات حاصل از آن، جهت حفظ حضور و قابلیت تبدیل و پذیرش پول ملی آن کشور (کوردوبا)، از بدو تشکیل دولت ساندینیست مبادرت به چهارده بار تقلیل داوطلبانه ارزش "کوردوبا" نسبت به پولهای معتبر دنیا نموده است. بدین معنی که دولت نیکاراگوئه هر بار مواجه با مشکلات بین‌المللی در رابطه با ضعف پول ملی خود گردیده، رأساً مبادرت به تقلیل ارزش و تغییر رابطه "کوردوبا" با "دلار" نموده است. در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط، پول ملی نیکاراگوئه از صحنه پولی بین‌المللی و سیستم بانکی جهانی حذف نگردیده و در تمام جهان اقتصادی قابلیت مبادله خود را حفظ نموده است.

در مورد پول ملی ایران (ریال) وضع کاملاً متفاوت بوده است. سیاست‌گذاران اقتصادی و دولت‌های مختلف کشور در نهایت تأسف در یازده سال گذشته به تنها مسئله‌ای که امعان‌نظر نمودند مسئله حفظ موقعیت "ریال" در صحنه اقتصاد بین‌المللی بوده است. ابعاد مشکل همزمان با تقلیل ذخایر ارزی ایران نزد بانکها و نهادهای مالی بین‌المللی گسترش یافته و در هیچ یک از مقاطع زمانی یازده سال گذشته اقدامی در جهت بکارگیری ابزار و مکانیسم‌های شناخته شده پولی و بانکی در جهت اعاده و تثبیت ارزش

"ریال" صورت نگرفته است. حال چه باید کرد؟

تقلیل ارزش داوطلبانه پول ملی کشور دارای دو بعد داخلی و بین‌المللی است که جدا از یکدیگر نمی‌باشند. حفظ ارزش و ایجاد تعادل در صحنه پولی داخلی چنانچه همراه با ایجاد مقبولیت "ریال" در صحنه بین‌المللی نباشد فاقد ارزش است و بلافاصله توسط مکانیسم تغییر رابطه داخلی خنثی می‌گردد. بدین معنی که به طور مثال چنانچه برابری "ریال" با "دلار" که در حال حاضر به طور رسمی (۷۰) به (۱) می‌باشد از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با اعداد (۷۰۰) به (۱) بیان و اعلام شود، لیکن اقدامی همزمان در سطح بین‌المللی در جهت ایجاد مقبولیت رابطه جدید صورت نگیرد دیرزمانی طول نخواهد کشید که ده برابر تقلیل ارزش داوطلبانه فوق (در شرایطی که رابطه مبادله ریال با دلار در بازار غیررسمی و آزاد به صورت تقریبی بیست برابر می‌باشد) موجب خواهد گردید که نه تنها بازار غیررسمی و آزاد ارز با داغی هرچه تمام‌تر باقی بماند بلکه رابطه "ریال" یا "دلار" در این بازار به شدت به ضرر ریال تغییر نموده و به چند ده برابر افزایش یابد. اثرات تبعی این اقدام داخلی، تورم شدیدتر و نابسامانی اقتصادی و توقف بیشتر واحدهای تولیدی و ایجاد فاصله بیشتر بین فقر و غنا خواهد بود.

بدین ترتیب، با یک کلام ساده باید گفت که اگر ریال ایران را علاوه بر بازارهای صرافان ارزی امارات متحده و چند کشور همجوار ایران، بانکهای مرکزی کشورهای دنیا هم پذیرا شوند و با پول ملی خود با نرخ و شرایط معقول و معین مبادله نمایند آن موقع است که می‌توان امیدوار بود که گام اصلی در راه طولانی بازسازی و درمان بیماریهای مالی و اقتصادی کشور برداشته شده است.

اهم اثرات مستقیم و غیرمستقیم تقلیل داوطلبانه ارزش ریال نسبت به پولهای معتبر جهان را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

الف - اثرات داخلی

- ۱ - تقلیل بدهی دولت به بانک مرکزی (از طریق فروش ارز حاصل از صادرات نفت به بانک مرکزی با نرخ بالاتر - نرخ جدید - و تسویه بدهیهای گذشته)
- ۲ - واقعی‌تر شدن قیمت‌های کالاها و خدمات متداول در بازار داخلی کشور
- ۳ - حذف محور بخش عمده‌ای از اسکناسهای منتشره (به دلایل متفاوت که خارج از مباحث مطروح در این یادداشت می‌باشد).

۴ - منطقی شدن نظام اعتبارات بانکی

۵ - حصول کنترل بیشتر و آگاهی کافی بر میزان حجم پول در گردش (ریال جدید)

۶ - فراهم شدن فرصت برای استفاده از اختیارات نظارتی بانک مرکزی و اعمال

تواناییهای قانونی آن

ب - اثرات بین‌المللی

۱ - حضور در صحنه‌های پولی و بانکی بین‌المللی و جلب اعتماد جهانی و ایجاد

قابلیت تبدیل ریال به ارزهای مختلف

۲ - ایجاد فرصتهای مناسب و ایجاد حق انتخاب برای کشور در امور واردات و

صادرات و نیز جلب منابع مالی از مراجع بین‌المللی

۳ - ارزان شدن صادرات و جلب خریداران کالاهای ایرانی

۴ - گران شدن واردات و ایجاد حصول ترجیحی منطقی در مورد کالاهای وارداتی

و حفظ منابع ارزی و استفاده آن برای اولویتهای رده بالاتر.

در مورد پیاده نمودن مقدمات اجرای سیاست تقلیل ارزش "ریال" نسبت به "دلار"

به طور مختصر و گذرا و بدون ورود به جزئیات می‌توان به مواردی مانند ایجاد حسابهای

سپرده نزد بانکهای داخلی کشور برای کلیه صاحبان وجوه ریالی و تعیین مدت زمانی

محدود برای سپرده‌گذاری قبل از اعلام کاهش ارزش ریال و تغییر پول ملی (ریال جدید)

و نیز سپرده‌گذاری کافی ارزی نزد بانکهای معتبر اروپایی و آسیایی که بتواند فرصت تبدیل

پول جدید ایران به پولهای معتبر جهان را در هر نقطه و برای هر فرد حقیقی و حقوقی

ایرانی و غیرایرانی فراهم آورد، اشاره نمود.

بدیهی است سیاستگزاران پولی و ارزی و اقتصادی کشور که خود از اساتید فن

می‌باشند و به تجربه‌های بین‌المللی در این زمینه وقوف کامل دارند به جزئیات اجرایی

این طرح اطمینان نظر کافی خواهند نمود و قطعا توجه خواهند داشت که عدم دقت کافی

در جزئیات طرح و اثرات تبعی آن ممکن است طرح مذکور را به صورت ابزار خطرناکی در

خلاف جهت بهبود اقتصادی بکار اندازد.

به نظر نویسنده، اقدام به اعمال تکنیک فوق ضروری بوده و هرچه تورم داخلی و

بی‌اعتمادی به پول ملی در صحنه داخلی و بین‌المللی روبه‌فزونی گیرد و برابری "ریال"

با "دلار" به صورت نامتوازن‌تری در بازار آزاد ارزی داخلی و بازار صرافان ارز کشورهای

همجوار درآید، کنترل و مهار مشکلات اقتصادی و پولی کشور غیرعملی‌تر و شاید غیرممکن

گردد ●